عنوان مقاله :

# هویت ملی و فرهنگ عامه

**نویسنده :**

**محمد بهنام فر**

**دکترای زبان و ادبیات فارسی**

**استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند**

**نشانی محل کار:**

بیرجند، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات، گروه زبان و ادبیات فارسی

**نشانی خانه:**

بیرجند، خیابان غفاری،غفاری ۳۴، پلاک ۲۰

**تلفن منزل:** ۰۵۶۱ -۴۴۴۸۰۹۰

**تلفن همراه:** ۰۹۱۵۱۶۱۴۹۱۴

**نشانی الکترونیکی:** m_behnamfar@yahoo.com

به نام خدا

دکتر محمد بهنام فر
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بیرجند

چکیده مقاله:

# هویت ملی و فرهنگ عامه

هویت عبارتست از عامل یا عواملی که باعث می شود چیزی را آن چنان که هست بشناسیم و بدون آن شناسایی ماهیت آن شیء تغییر می کند و منظور از ملّی، حس گرایش و پیوند افراد جامعه به یکدیگر برای یک دورهٔ تاریخی است که در واقع حوزهٔ فرهنگ آن ملت را تعیین می کند.

از مهمترین مؤلفه های هویت ملی یکی زبان است و دیگری فرهنگ. فرهنگ نیز خود دو چهره دارد: فرهنگ رسمی و فرهنگ عامه. از آن جا که فرهنگ عامهٔ هر ملتی در حکم زندگینامه و شرح احوال و سیرتهای تودهٔ عوام آن ملت و عامل اصلی و شاخص خصلتها و تصویر اصیل آداب و عادات آن قوم و روشنگر سوابق تاریخی و نشان دهندهٔ تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم آن کشور است، می توانیم فرهنگ عامه را به نوعی مترادف با هویت ملی یک جامعه به حساب آوریم. فرهنگ عامه ضمن آنکه در حکم شناسنامهٔ آن ملت است، با شناساندن شخصیت و هویت ملی به افراد جامعه آنها را در برابر جلوه های پر زرق و برق و تبلیغات فرهنگی بیگانگان مصونیت می بخشد. نگارنده در این مقاله به بررسی فرهنگ عامه و نقش آن در تکوین هویت ملی پرداخته است.

واژه های کلیدی: **فرهنگ، فرهنگ عامه ، فولکلور ، هویت ملی.**

## مقدمه:

هویت در لغت به معانی: هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد آمده است.[۱] اما تعریف فلسفی هویت عبارتست از « عامل یا عواملی که باعث می شود چیزی را آن چنان که هست بشناسیم و بدون آن شناسایی ماهیت آن شیء تغییر می کند».[۲]

وقتی صحبت از « ملّی » به میان می آید منظور حس گرایش و پیوند افراد و ابنای جامعه به یکدیگر برای یک دورهٔ تاریخی است که در واقع حوزهٔ فرهنگ آن ملت را تعیین می کند.[۳]

یکی از گسترده ترین حوزه های هویت ملی هر سرزمینی را فرهنگ آن تشکیل می دهد. فرهنگ اگرچه به معنی وسیع کلمه شامل تمام باورها، اعتقادات و آثار هنری و فکری یک قوم است که در طول تاریخ شکل می گیرد اما بخش عظیمی از این آثار فرهنگی لااقل قبل از این که بشر به کتابت دست یابد از طریق آثار شفاهی و به وسیلهٔ تودهٔ مردم انتقال یافته است. بسیاری از آداب و مراسم دیرینه ای که حتی امروز به فراموشی سپرده شده اند یادگارهایی جاوید از روزهای پر افتخار قوم ایرانی است. جشن های بزرگی چون مهرگان نوروز، سده، چهارشنبه سوری و مراسم گوناگونی که در ایام سال و به مناسبت های مختلف برگزار می شد - و بعضاً امروز نیز در پاره ای از نقاط هنوز رواج دارد - گویای تأثیر فرهنگ عامه در هویت ملی ماست. اگرچه بسیاری از این باورها امروز یا از میان رفته اند و یا بصورت باورهای خرافی درآمده اند اما همگی بیانگر این مسئله مهم هستند که یک ملت با تاریخی کهن طی روزگاران این آثار را به وجود آورده و سینه به سینه به آیندگان سپرده است. از طریق عناصر فرهنگ عامه به روشنی می توان خط سیر اندیشه و اعتقادات یک ملت را دنبال کرد.

---

[۱]- محمد معین، **فرهنگ فارسی**، ذیل « هویت ».

[۲]- سیدحسین نصر، **جاودان خرد**، به اهتمام دکتر سیدحسین حسینی،ج۱، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴۸۴.

[۳]- همان جا.

ما از طریق دست یابی به عناصر فرهنگ عامه و فولکلور علاوه بر این که می توانیم اسناد روشن و قطعی در مورد ملیت خود به تاریخ جهان نشان دهیم به طور قطع خواهیم توانست در بوجود آوردن وحدت ملی قدمی بس بزرگ برداریم.

از طریق تحقیق در آثار فرهنگ عامه و آثار به جا ماندهٔ از آن نیز می توان به میزان تأثیر و نفوذ عناصر فرهنگ های بیگانه در فرهنگ خودی پی برد. به طور مسلم ایران ملتی با سابقهٔ کهن و در چهارسوی تاریخ، در تاریخ دیریاز خود با ملت ها و اقوام گوناگون از طریق جنگ ها، کشورگشایی ها و داد و ستدها ارتباط داشته است و مسلماً از همین راستا عناصر فرهنگی زیادی در فرهنگ ایران وارد شده است که در پی جویی هویت ملی گذر از این مراحل ما را به بسیاری از حقایق علمی و فرهنگی رهنمون خواهد شد.

ایرانیان آریایی از بدو ورود خود به سرزمین ایران در نتیجهٔ آزمایش های روزانه زندگی و متأثر از باورهای اعتقادی و مذهبی خویش افکار و عاداتی را از خود به یادگار گذاشته اند. افسانه های فراوانی که در میان ملل آریایی نژاد در مورد خورشید، اژدها، جانوران، گیاهان و درختان وجود دارد از دیدگاه تفکر ملی ارتباط نژادی این اقوام را با یکدیگر ثابت می کند.

آنچه مسلم است هویت ملی یک کشور زمانی تحقق پیدا می کند که ارزش های فرهنگی گذشتهٔ آن قوم اعم از عامیانه و رسمی پاس داشته شود و این مهم هم بر دوش مردم که میراث داران حقیقی و اصلی فرهنگ هستند می باشد و هم بر دوش کارگزاران و مسؤولان سیاسی و حکومتی که پاسداری از آثار فرهنگی گذشته یکی از وظایف خطیر آنها می باشد.

زبان فارسی رمز وحدت و هویت ملی است و تمام عناصر فرهنگ عامه اعم از آثار مکتوب و شفاهی، باورها و اعتقادات از این مسیر تبلور می یابد. بنابراین جمع آوری این آثار زبانی و حفظ و نگهداری آنها خود به نوعی در حفظ و نگهداری هویت ملی ایران مؤثر خواهد بود. ترانه ها، مثل ها، چیستان‌ها و افسانه های خیالی که هر روز بر زبان مادران و پدران پیر می نشیند، باور مقدس ایرانی بودن و به فارسی شیرین حرف زدن را در جان فرزندان این آب و خاک می پرورد. از طریق همین قصه ها و داستان های خیالی به جا مانده از ادوار کهن است که روح ایرانی به نسل های آینده

منتقل می شود. فکر ایرانی با همین آثار زنده می ماند و شکوه و منزلت ایرانی از طریق همین افسانه ها و اسطوره های کهن نشان داده می شود.

افسانه هایی چون حسین کرد شبستری، امیر ارسلان، داستان های بهرام گور، اسکندر، جمشید و دهها قصهٔ دیگر با این که امروز در ردیف آثار مکتوب ادبیات درآمده اند اما به نوعی متعلق به ادبیات عامه و توده می باشند که از طریق آنها تمام خلق و خوی قوم ایرانی به تصویر کشیده می شود.

رستم قهرمان داستانهای افسانه ای شاهنامه در عین این که یک پهلوان حماسی است، تبلور ارادهٔ همهٔ ایرانیانی است که در طول تاریخ او را مظهر قدرت و ارادهٔ ایرانی دانسته اند.

## هویت ملی و فرهنگ عامه

فرهنگ واژه ای است مرکب از دو جزء: فر (پیشاوند) + هنگ (از ریشهٔ thang اوستایی به معنی کشیدن). فرهنگ و فرهختن درست مطابق است در مفهوم با educat و endure لاتینی به معنی کشش و کشیدن و نیز به معنی آموزش و تعلیم و تربیت»[۱].

در فرهنگها معانی مختلفی برای این واژه ارائه شده است، از جمله« فرهنگ » به شاخهٔ درختی اطلاق می شده که در زمین خوابانده شده و از جایی دیگر سر برآورده باشد[۲]، همچنین به « کاریز » نیز فرهنگ می گفته اند. توجه به دو معنی اخیر که به طور ضمنی به دو مفهوم اساسی « ریشه» و « چشمه» اشاره دارد بیانگر اندیشه و تلقّی پیشینیان ما از واژهٔ « فرهنگ » می باشد و نشان می دهد که گذشتگان از « فرهنگ » به عنوان ریشهٔ زندگی و چشمهٔ حیات یاد می کرده اند و در واقع در این گونه تلقّیها مفاهیم عالی روییدن، بالیدن، جاری بودن و به اوج راه جستن را به وضوح می بینیم.[۳]

---

[۱]- محمدحسین بن خلف تبریزی، **برهان قاطع**، به اهتمام محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، پاورقی ذیل « فرهنگ ».

[۲]- همان، ذیل «فرهنگ».

[۳]- حسینعلی بیهقی، **پژوهش و بررسی فرهنگ عامهٔ ایران**، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۹.

در این که به قنات و کاریز « فرهنگ » گفته می شده، لطیفه ای بس زیبا و در خور توجه نهفته است، بدین معنی که فرهنگ در جوامع بشری حکم قنات در طبیعت مادی را دارد و همان طوری که آب باعث حیات موجودات مادی است، فرهنگ نیز مادهٔ حیات معنوی انسانها می باشد و به حرکات و سکنات آنها در زندگی جهت می بخشد.[۱]

علاوه بر آنچه گذشت « فرهنگ » به معانی علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی نیز آمده است.[۲]

و اما در دهه های اخیر از این واژه تعاریف گوناگونی شده است و هر دانشمندی با توجه به تخصّص و آگاهیش از فرهنگ، تعریف خاصی از آن نموده است که از این میان تعریف « ادوارد تایلور» انسان شناس معروف انگلیسی حایز اهمیت می باشد، نامبرده فرهنگ را چنین تعریف می کند: « فرهنگ یا تمدّن مجموعهٔ پیچیده ای است که دربرگیرندهٔ دانستنیها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیلهٔ انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است».[۳]

با توجه به این تعریف می توان گفت که: همهٔ اعمال آدمیان - به طور مستقیم یا غیر مستقیم – از فرهنگ ناشی می شود و فرهنگ انسانی میراث کهنی است که در طی قرون و اعصار از نسلی به نسل دیگر رسیده و توسعه و تحول یافته است و به عبارتی دیگر: فرهنگ عبارت است از مجموعهٔ ارزشها و دستاوردهای مادی و معنوی که در طی تاریخ به وسیلهٔ انسانها آفریده شده و شکل گرفته است.[۴]

حال که تا حدی با مفهوم فرهنگ آشنا شدیم، لازم است که به معرفی فرهنگ عامه نیز بپردازیم و ببینیم منظور از فرهنگ عامه چیست. « فرهنگ عامه» معادل اصطلاح « فولکلور» در

---

۱- جهت تفصیل مطلب رک: محمدمهدی ناصح، « **فرهنگ قنات بررسی موانع و عوامل پیشرفتهای فرهنگی و آموزشی سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان**، مجتمع آموزش عالی بیرجند، ۱۳۶۶، ص ۳۹ به بعد.

۲- محمدحسین بن خلف تبریزی، **برهان قاطع**.

۳- حسینعلی بیهقی، **پژوهش و بررسی فرهنگ عامهٔ ایران**، ص ۱۱.

٤- همان، ص ۱۴.

زبانهای اروپایی است. فولکلور کلمه ای است مرکب از دو جزء « Folk » به معنی « مردم، خلق، توده» و « lore» به معنی « دانش، معرفت»[۱]. براین اساس فولکلور در زبان فارسی به « دانش عوام» و « فرهنگ عامه» ترجمه شده که عبارت است از علمی که در باب آداب و سنن و ادب و فرهنگ عامه بحث می کند و به عبارتی دیگر مجموعهٔ آداب و رسوم و عقاید و عادات و افسانه ها و حکایات و امثال و ترانه ها و اشعار عامیانه را در برمی گیرد.[۲] در توضیح مطلب باید گفت: همان طور که در هر اجتماعی فرهنگی رسمی و مکتوب وجود دارد، یک فرهنگ عامیانه هم هست که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. فرهنگ عامیانه درست نقطهٔ مقابل ادب و دانش رسمی و مکتوب است که به صورت مدوّن در اختیار باسوادان قرار دارد.[۳] خلاصه به طور اجمال می توان گفت که: « فولکلور آشنایی با پرورش معنوی اکثریت است در مقابل پرورش مردمان تحصیل کرده در میان یک ملت متمدن».[۴]

البته نمی توان بین دو جنبه از فرهنگ رسمی و فرهنگ عامهٔ یک جامعه مرز صریحی مشخص کرد، زیرا بسیاری از باورها که روزی در زمرهٔ فرهنگ رسمی جامعه محسوب می شده اند مانند غالب باورهای نجومی و طبی قدیم امروزه از مقولهٔ فرهنگ عامه به شمار می آیند.[۵]

نکتهٔ مهمی که دربارهٔ عقاید و اندیشه های عامهٔ مردم وجود دارد این است که فرهنگ عامه – برخلاف فرهنگ رسمی جامعه که در درون تارهایی که خود تنیده است محصور می ماند و بدین جهت گرفتار رکود و خمیدگی می شود – فرهنگی است پویا و در حال تحول و تکامل که همگام با جامعه متحول می شود و در جویبار زمان جریان دارد.[۶]

---

۱- ابراهیم شکورزاده، **عقاید و رسوم مردم خراسان**، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳، پاورقی، ص ۱۷.

۲- همان جا.

۳- کیوان شمیرانی، **راهنما برای کندوکاو در فرهنگ مردم و حفظ و اشاعهٔ آن**، مرکز فرهنگ مردم صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۹.

٤- صادق هدایت، **نوشته های پراکنده**، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۴، ص ۴۴۸.

٥- محمود خلیقی، « فرهنگ عامه»، **مجلهٔ فرهنگ و زندگی**، شمارهٔ ۲۵ و ۲۶، ص ۲۳.

٦- حسینعلی بیهقی، **پژوهش و بررسی فرهنگ عامهٔ ایران**، ص ۲۱.

از طرفی فرهنگ مردم به شخص یا گروهی خاص وابسته نیست و فرد خاصی نمی تواند خود را موجد و سازندهٔ بخشی از کردار و پندار عامه بداند، بلکه فرهنگ عامه مجموعهٔ تجربیات و تفکرات بشر در طی قرون و اعصار است که به صورت آداب و سنتهای مرسوم یک جامعه به افراد آن شخصیت و هویت و موجودیت می بخشد.[۱]

با توجه به آنچه گذشت،تحقیق و پژوهش در باب « فرهنگ عامه» کاری است بایسته و در خور تحسین و خدمتی است ارزنده به فرهنگ این مرز و بوم که مزایای بیشماری دربر دارد که در این جا مختصراً به برخی موارد اشاره می شود:

- فرهنگ عامه با شناساندن شخصیت و هویت ملی به افراد جامعه، آنها را در برابر جلوه های پر زرق و برق تبلیغات فرهنگی بیگانگان مصونیت می بخشد، لذا اگر امروز خطر به اصطلاح « تهاجم فرهنگی»[۲]جامعهٔ ما را تهدید می کند، یکی از راههای مبارزهٔ با آن تلاش در احیای فرهنگ عامهٔ این سرزمین می باشد.

قابل ذکر است که « هویت در اصل امری انفعالی است. با توجه به خود در رابطه و با توجه به دیگران و از خلال آنها معنا می یابد. « خود بودن» یعنی دیگری نبودن، با دیگران تفاوت داشتن و در عین پیوند یا حتی آمیختگی، جدایی و برکناری را نگه داشتن. این دریافت متعلق به انسان اجتماعی است و چون به واسطه و از راه دیگران معنا می یابد، هر گاه از طرف این دیگران مورد هجوم قرار گیرد و در خطر افتد طبعاً توجه بیشتری نسبت به آن برانگیخته می شود».[۳]

- فرهنگ عامه پشتوانه ای بسیار استوار برای فرهنگ و ادب رسمی کشور به شمار می رود. فرهنگ رسمی موقعی می تواند از غنای لازم برخوردار باشد که تکیه بر فرهنگ عامه داشته باشد وگرنه تمام تکاپوی آن برای خلق آثار ذوقی و هنری و ادبی بیهوده خواهد بود.[۴]

---

۱- همان، ص ۲۱ به بعد.

۲- باید توجه داشت که جامعهٔ ایرانی با فرهنگ غنی و کهنسال خود از جانب هیچ فرهنگی تهدید نمی شود و اگر امروز خطری احساس می شود خطر بیگانگی با فرهنگ خودی و به اصطلاح « از خود بیگانگی» است و این خطر در واقع از ناحیهٔ فساد غرب است نه فرهنگ غرب آن هم برای کسانی که با فرهنگ ملی و اسلامی ایران بیگانه اند.

۳- شاهرخ مسکوب، **هویت ایرانی و زبان فارسی**، انتشارات باغ آینه، تهران، ۱۳۷۳، صص ۴۰-۳۹.

۴- محمود خلیقی، « فرهنگ عامه»، ص ۲۷.

- فرهنگ عامهٔ هر ملتی در حکم شناسنامهٔ آن ملت است. مردم نواحی مختلف هنگامی که با اخلاق و عادات و آداب و هنرها و افکار یکدیگر آشنا شوند وحدت و یکپارچگی آنان بهتر تحقق می یابد، پس تلاش در این زمینه، تلاشی است صحیح و منطقی در جهت ایجاد وحدت ملی.[۱]

- چنان که می دانیم سرزمین ایران در طول تاریخ مانند کاروانسرایی بوده است که همهٔ قافله های بشر از ملل متمدن و وحشی دنیای باستان مانند: کلدانی، آشوری، یونانی، رومی، یهودی، ترکی، عرب و مغول پی در پی در آن بار انداخته و با هم آمیزش داشته اند، از این رو کاوش و تحقیق دربارهٔ اعتقادات عوام برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را برایمان روشن خواهد ساخت و پس از تحقیق و مقایسهٔ این اعتقادات با همدیگر خواهیم توانست به ریشه و مبدأ آنها پی ببریم.[۲]

- از نظر جهانی فرهنگ عامه بهترین عاملی است که ملتها را به هم پیوند می دهد و با هم آشنا و نزدیک می سازد و آشنایی مردم جهان با یکدیگر می تواند موجب صلح و دوستی و نابودکنندهٔ کینه و دشمنی گردد.[۳]

- فرهنگ عامه از آن جهت که به بررسی معتقدات و اندیشه ها و گفتار مردم کوچه و بازار می پردازد، از نظر روان شناسی و جامعه شناسی اهمیت بسزایی دارد و تأمل در این باب می تواند کمک شایانی به علوم فوق بنماید.[۴]

البته ناگفته پیداست که آنچه از آن به عنوان « فرهنگ عامه» تعبیر می کنیم سراسر مفید و منطقی نیست و نباید همگی آنها را به عنوان عقاید و آداب و رسوم ملی ایرانی بپذیریم، بلکه باید با هشیاری کامل به نقد و تحلیل این عقاید بپردازیم، زیرا در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت که: عقاید و افکار عامه بر دو نوع است: یکی افکار و عقایدی که به تجربه برای مردم عاقل و فهمیده و خوش نیت حاصل شده است و آنان نیز برای نشر این افکار آداب و رسومی وضع کرده اند و افکار حکیمانه و دستورهای اخلاقی و اجتماعی خود را برای هدایت و تربیت مردم در ضمن افسانه ها و

---

۱- سیدابوالقاسم انجوی، **فرهنگ مردم**، چاپخانهٔ وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۴۷، ص ۴.

۲- صادق هدایت، **نیرنگستان**،ص ۹.

۳- سیدابوالقاسم انجوی، **فرهنگ مردم**، ص ۴.

٤- هانری ماسه، **معتقدات و آداب ایرانی**، ترجمهٔ مهدی روشن ضمیر، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ۱۳۵۵، پیش گفتار، ص سی و پنج.

اشعار و امثال و آداب و رسوم گنجانیده اند و دیگر اعتقادات و خرافاتی که بداندیشان و سودجویان و شکست خوردگان جامعه به عمد یا غیر عمد ساخته و در میان مردم رواج داده اند که البته باید سعی کرد تا عقاید غلط و زیان آور نظیر اعتقاد به سحر و جادو و طلسم و خرافات از ذهن مردم به کلی محو و نابود گردد (با توجه به این که ممکن است بسیاری از این عقاید خرافی ارمغان ملل دیگر باشد که به فرهنگ این سرزمین راه یافته است) و بر عکس عقاید و آداب و رسوم سودبخش نظیر: مراسم عید نوروز و ختنه سوران و شب چله و اشعار و حکایات و تمثیلات اخلاقی و سودمند تقویت شود.[۱]

ممکن است در ذهن عده ای این توهم ایجاد شود که جمع آوری مشتی اوهام و خرافات چه ربطی به پیشبرد فرهنگ عامه دارد و اصولاً آیا این کار باعث تبلیغ و گسترش این گونه باورها نمی گردد؟ در جواب باید گفت که: تا افکار خرافی به اسم اوهام و خرافات جداگانه تدوین نشود، بیگانگان این عقاید سخیف و ناروا را جزو عادات ملی ما خواهند شمرد - چنان که تاکنون چنین بوده است-[۲] پس وظیفهٔ ماست که تا دیر نشده است خرافات و اوهام و پندارهای باطل را از عقاید ملی و آداب و رسوم پسندیدهٔ جامعه جدا کنیم و بدین ترتیب مقدمات رسوایی و نابودی کامل خرافات را فراهم سازیم.[۳]

**نتیجه:**

از مهمترین مؤلفه های هویت ملی یکی زبان است و دیگری فرهنگ. زبان فارسی بزرگترین عامل وحدت ملی ایرانیان در طول تاریخ بوده است و فرهنگ نیز به این ملت هویت بخشیده است. فرهنگ هر کشوری دو چهره دارد: فرهنگ رسمی و فرهنگ عوام یا عامه. « اصولاً وجود فرهنگ، همان نفس و ذات زندگی است. جوهر هستی است. همان رود سیّال و خروشانی است که انسان را

---

۱- ابراهیم شکورزاده، **عقاید و رسوم مردم خراسان**، ص ۱۹ به بعد.

۲- به عنوان نمونه رک: هانری ماسه، **معتقدات و آداب ایرانی**.

۳- صادق هدایت، **نیرنگستان**،ص ۲۴ به بعد.

به دریای کمال رهنمون می شود آن حقیقتی است که به انسان، انسانیت مـی بخشـد. او را صـاحب هویت و شخصیت می سازد.[۱]

اگر بگوییم آنچه به جامعه ای هویت می بخشد و آن را از دیگر جوامـع متمـایز مـی سـازد فرهنگ عامـــه آن مردم است سخنی به گزاف نگفته ایم. اهمیت و فرهنگ عامه به حدی اسـت کـه می توان آن را مترادف با هویت ملی دانست. هویت ملی در حکم شناسنامهٔ هر ملت اسـت و از آنجـا که « فرهنگ مردم هر ملتی نیز در حکم زندگینامه و شرح احوال و سیرتهای تودهٔ عـوام آن ملـت و عامل اصلی و شاخص خصلتها و تصویر اصیل آداب و عـادات آن قـوم و روشـنگر سـوابق تـاریخی و نشان دهندهٔ تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم عوامل آن کشور اسـت.»[۲] مـی تـوانیم بـه نـوعی فرهنگ عامـــه را در حکم شناسنامهٔ ملی و یا «هویت ملی» یک جامعه به حساب آوریـم. مخصوصـاً « در سرزمین پهناوری چون ایران که شهرها و روستاهایش در شرق و غرب و شمال و جنوب کشور پراکنده و دور از هم اند و مردم هر نقطه لهجهٔ خاص و فرهنگ عوامانـهٔ مخصـوص بـه خـود دارنـد، چون فولکلور هر منطقه یا هر طایفه را جداگانه بررسـی و مطالعـه کنـیم مـی بینـیم کـه بـا وجـود اختلافات ظاهری ریشه و پایه و منشأ و منبع همهٔ آنها یکی است و همگی چون شـاخه هـای پیونـد خوردهٔ درخت واحدند که از یک تنه جدا شده و از یک ریشه تغذیه کرده اند و این خود محکمتـرین سند وحدت قومی ایرانیان و دلیل قاطع بر پیوندها و پیوستگیهای مردم این مرز و بوم است».[۳]

خلاصه باید گفت اگر هویت ملی ما آن چیزی است که موجب شناسایی ملت ما مـی شـود چه چیزی بهتر از فرهنگ عامه می تواند مبیّن و معرّف این هویت باشد.

---

۱- حسینعلی بیهقی، **پژوهش و بررسی فرهنگ عامهٔ ایران**، ص ۱۴.

۲- سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، محمود ظریفیان، **گذری و نظری در فرهنگ مردم**، انتشارات اسپرک، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۰.

۳- همان، ص ۱۱.

## منابع و مآخذ:


۱- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم: **فرهنگ مردم**، چاپخانهٔ وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۴۷.

۲- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم و ظریفیان، محمود: **گذری و نظری در فرهنگ مردم**، انتشارات اسپرک، تهران، ۱۳۷۱.

۳- بیهقی، حسینعلی: **پژوهش و بررسی فرهنگ عامهٔ ایران**، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۴- تبریزی، محمدحسین بن خلف: **برهان قاطع**، به اهتمام محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.

۵- خلیقی، محمود: «فرهنگ عامه»، **مجلهٔ فرهنگ و زندگی**، شمارهٔ ۲۵ و ۲۶.

۶- شکورزاده، ابراهیم: **عقاید و رسوم مردم خراسان**، انتشارات سروش،تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۷- شمیرانی، کیوان: **راهنما برای کندو کاو در فرهنگ مردم و حفظ و اشاعهٔ آن**، مرکز فرهنگ مردم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

۸- ماسه، هنری: **معتقدات و آداب ایرانی**، ترجمهٔ مهدی روشن ضمیر، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ۱۳۵۵.

۹- مسکوب، شاهرخ: **هویت ایرانی و زبان فارسی**، انتشارات باغ آینه، تهران، ۱۳۷۳.

۱۰- معین، محمد: **فرهنگ فارسی**، انتشارات امبیرکبیر، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۱۱- ناصح، محمدمهدی: فرهنگ قنات، **بررسی موانع و عوامل پیشرفتهای فرهنگی و آموزشی سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان**، مجتمع آموزش عالی بیرجند، ۱۳۶۶.

۱۲- نصر، سیدحسین: **جاودان خرد** (مجموعه مقالات دکتر سیدحسین نصر)، به اهتمام دکتر سیدحسین حسینی، ج۱، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۲.

۱۳- هدایت، صادق: **نوشته های پراکنده**، انتشارات امبیرکبیر، تهران، ۱۳۳۴.

۱۴- _____: **نیرنگستان**، کتابهای پرستو، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۴۴.

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.